

مطهری شهید اندیشه

بیش از 40 سال است که 12 اردیبهشت در کشور ما به نام «روز معلم» شناخته می‌شود. این روز، روز بزرگداشت استاد شهید مرتضی مطهری است. مرتضی مطهری در 13 بهمن 1298 هجری شمسی (12 جمادی‌الاول 1338 هجری قمری) در فریمان متولد شد. اصالت شهید مطهری سیستانی و وابسته به شهرستان زابل است. پدرش شیخ محمد حسین مطهری از روحانیون مورد احترام در فریمان و از شاگردان آخوند خراسانی و مادرش دختر آخوند ملا جعفر روحانی بودند. شهید مطهری از شاگردان برجسته علامه طباطبایی و امام خمینی بود. او با تلاش‌های علمی و روشنگرانه در مقابله با جریان‌های فکری منحرف و التقاطی و با تألیف کتاب‌های گوناگون¹ نقشی تأثیرگذار در هدایت جوانان به سوی اسلام ناب و بنیان‌گذاری انقلاب اسلامی داشت. او با اندیشه و آثار بی‌نظیر خود در حوزه علوم و فلسفه انسانی اسلامی گام‌های مؤثری در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی برداشت. این آثار و افکار چراغ راهنمایی است برای آنانی که قصد ادامه این مسیر را دارند. زیرا مسیر تمدن‌سازی از خودسازی شروع می‌شود و خودسازی چیزی نیست جز آشنایی با خود و خودشناسی. در اندیشه فلسفی اسلام خودشناسی اولین و مهم‌ترین قدم در مسیری است که می‌تواند جهان را تغییر دهد.

تعریف تمدن و مؤلفه‌های تمدن‌سازی

برای مطالعه آثار شهید مطهری و نقش آن‌ها در تمدن‌سازی، ابتدا نیاز است به تعریف نقش معلم بپردازیم؛ نقشی که استاد مطهری به بهترین وجه ممکن آن را ایفا نمود. معلم حقیقی کسی است که از طریق مبارزه با نادانی چراغی پیش روی شاگردان خویش بیفزورد و با ایجاد هویت آنان را با خود حقیقی و ارزش واقعی وجودشان آشنا کند. تمدن از جمله واژه‌هایی است که افراد بسیاری درباره چستی آن، عوامل ایجاد، تقویت و افولش سخن گفته‌اند؛ اما تعریف یکسانی درباره آن وجود ندارد. شاید بتوانیم ایجاد یک ساختار منظم اجتماعی که منجر به پیشرفت افراد جامعه در زمینه‌های مادی و معنوی می‌شود را به عنوان تعریف مشترک تمدن توسط گروه‌های مختلف بپذیریم. با این تعریف می‌توانیم تمدن اسلامی را ساختاری منظم و بر اساس اصول و قوانین اسلام بدانیم، که در آن شرایط برای رشد افراد در جنبه‌های گوناگون و در چارچوب قواعد اسلامی فراهم می‌شود. علاوه بر این که تمدن‌سازی تعریف سبک جدیدی از زندگی و آرایه ابزاری برای رسیدن به این هدف را نیز شامل می‌شود.

¹ <https://mohammat.org/%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%DB%8C-%D8%A2%D8%AB%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D8%B7%D9%87%D8%B1%DB%8C/>

سبک زندگی اسلامی یعنی ارایه الگویی برای رسیدن به هدف غایی انسان که رشد و پیشرفت مادی و معنوی است. علوم فنی و تجربی، چارچوب‌های نظری و عملی برای رسیدن به اهداف ظاهری یک تمدن را تعیین می‌کنند و ما با استفاده از این علوم می‌توانیم زمینه رشد و آسایش خود را فراهم کنیم؛ اما بنیان هر تمدنی، فلسفه و چستی آن است که در این مورد باید دست به دامان علوم انسانی شد، علمی که به صورت مستقیم با انسان و هویت او در ارتباط هستند؛ بنابراین مهم‌ترین علمی که در تمدن‌سازی به آن نیاز داریم علوم انسانی است، که در ادامه به ریشه این علم می‌پردازیم.

اهمیت و ضرورت خودشناسی

همه ما می‌دانیم که دغدغه‌های افراد بر نوع عملکرد و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها تأثیر مستقیمی دارد و فردی که دغدغه‌های بی‌ارزشی داشته باشد، قطعاً نمی‌تواند تصمیم‌های بزرگ و ارزشمندی بگیرد. ما برآیند انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، رفتارها و اعمال خود هستیم و برای اینکه بتوانیم انتخاب‌هایی آگاهانه و باکیفیت داشته باشیم، نیاز داریم ابتدا حقیقت و اصل خود را بشناسیم و سپس با آگاهی از مقصدی نهایی که برایمان تعیین شده است، مسیر حرکت خود را مشخص کنیم. در این میان عدم خودشناسی باعث می‌شود، وجود خود را به قیمتی کمتر از ارزش حقیقی‌مان معامله کنیم و ضرر بسیاری را متحمل شویم. خودشناسی منشأ تمام خیرها و مهم‌ترین موضوعی است که در آموزه‌های دینی ما بر آن تأکید شده است؛ اما متأسفانه کتاب، رشته یا دانشگاه خاصی برای آن نداریم. بسیاری از مراکز فرهنگی و مذهبی به جای فعالیت فکری و پرداختن به این مسئله اساسی تنها به ارائه ظواهر و احکام تبعیدی بسنده می‌کنند و در آموزه‌های ارایه شده توسط آنها بحث درباره مینا و چرایی احکام و عبادات که بسیار مهم‌تر است، از قلم می‌افتد. این مسأله یکی از دلایلی است که بسیاری از ما پس از حضور در دانشگاه یا تغییر محل زندگی دچار شک و شبهه‌های فراوانی می‌شویم.

خودشناسی، مقدمه همه علوم است. عدم شناخت دقیق و صحیح انسان منجر به تدوین علمی می‌شود که یا بی‌نتیجه هستند و یا نتایجی مخرب دارند. اگر به دنبال ایجاد تمدنی هستیم که در آن افراد در همه جنبه‌ها رشد کنند، ابتدا باید خودمان را بشناسیم تا به نیازهایمان پی ببریم و مسیر تأمین آن‌ها و رسیدن به مقصد را طراحی کنیم. اگر می‌خواهید با خودشناسی بیشتر آشنا شوید، خواندن مقاله «خودشناسی چیست؟» را به شما توصیه می‌کنیم.

ویژگی و اهمیت آثار شهید مطهری

با توجه به مباحث مطرح شده، ریشه و مبنای علوم انسانی مانند سایر علوم، خودشناسی است. در میان کتاب‌های علوم انسانی، پژوهشگران دانشگاهی و حتی محققان علوم دینی در حوزه‌های علمیه تعداد کمی از آن‌ها توانسته‌اند تعریف دقیق و درستی از انسان ارائه دهند.

انقلاب‌ها و تحولات از تفکر افراد آغاز می‌شود و اگر ما نیز به دنبال تحولی نو در نظریه‌پردازی دینی و تمدن‌سازی اسلامی هستیم، آثاری مانند آثار ارزشمند استاد مطهری بهترین مبنا برای تفکر هستند و به راحتی می‌توانند خط سیر ما را مشخص کنند.

در بازه زمانی قبل از وقوع انقلاب، دو نوع تفکر «سوسیالیستی» و «مارکسیستی» به شدت بر جامعه حاکم بود. عده زیادی از ایرانیان که باورهای مذهبی عمیقی داشتند، به هیچ یک از این دو گروه و تفکراتشان اعتقادی نداشتند، اما راهی برای ارائه دفاع منطقی از باورهایشان نمی‌شناختند. در همین زمان، نور بیانات و کلمات شهید مطهری درخشیدن گرفت و ایرانیان مسلمان را از ابرهای تاریک انحراف و بدعت رهاوند و ثابت کرد مبانی فکری اسلام پویا و برتر از تمام تفکرات و فلسفه‌های مادی ماتریالیسم و مارکسیسم است.

ایشان با تلاش‌های خویش جامعه را به سمتی پیش برد که با تقویت هویت مذهبی خود و باور به کارساز بودن آموزه‌های دین خطر جریان‌های منحرف را باور کرده و با افزایش معرفت و حس مسئولیت‌پذیری گام‌هایی استوار در جهت پیروزی نهضت اسلامی بردارند. اگر این تلاش‌ها نبود، شاید این انقلاب به این سرعت به ثمر نمی‌نشست.

ارتباط آثار شهید مطهری و تمدن نوین اسلامی

درباره رابطه بین دین و تمدن دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. در نگاه روشنفکران دین مانعی برای پیشرفت و تمدن است. از دیدگاه پساسکولاریسم که همزمان با بحران معنویت در فرهنگ غرب مطرح شد، دین ابزاری شناخته می‌شود که می‌تواند اثر مفیدی در جامعه مدرن داشته باشد؛ اما دیدگاه سوم نگرشی است که دین را عامل پیشرفت و تمدن‌ساز می‌داند.

شهید مطهری به عنوان یکی از فلاسفه مکتب اسلام به دیدگاه سوم معتقد بود و لازمه ساخت تمدن نوین اسلامی را داشتن نگاهی تمدنی به اسلام می‌دانست. ایشان با بیان و قلم خویش اثبات کرد که اسلام برای اداره جامعه در همه زمینه‌ها دارای برنامه است.

شهید مطهری دین اسلام را بدون تحریف به مردم ارائه می‌داد و مکتب‌هایی را که قصد ایجاد انحراف در این تفکر ناب داشتند، با دلایل منطقی و مستند رسوا می‌ساخت و همین امر باعث شد دشمنان او را سدی بزرگ در برابر خویش ببیند و برای ایجاد فضایی غبارآلود که در آن نتوان حق را از باطل تشخیص داد، این بزرگوار را با شهادت از میان بردارند تا مسیر تمدن اسلامی در حال شکل‌گیری را منحرف و نابود سازند. دشمنان پیش از این که به فکر حذف فیزیکی ایشان باشند، ابتدا

به ترور شخصیت‌شان پرداختند؛ زیرا می‌دانستند ایشان با تسلط و شناختی که نسبت به مبانی و آموزه‌های دین و هم‌چنین انحرافات مکاتب مادی دارد، به راحتی می‌تواند مایهٔ رسوایی و زوال آنان گردد.

گروهک فرقان و ترور شهید مطهری

گروهک فرقان یکی از گروه‌های به ظاهر مذهبی بود که سطحی‌ترین و انحرافی‌ترین برداشت‌ها را از دین داشت. آن‌ها معتقد به جدایی دین از سیاست بودند.

اکبر گودرزی، رهبر گروهک فرقان، کسی بود که مدتی در مدرسه‌های دینی تحصیل کرده بود و به گفتهٔ افرادی که او را می‌شناختند، با کلام خود توانسته بود جوانان بسیاری را به خود جذب نماید؛ جوانانی که زمینهٔ علاقه به دین و مذهب را داشتند، اما با روحانیت رابطهٔ خوبی نداشتند. گودرزی چندین جلد کتاب تفسیر قرآن به نام افراد مختلف چاپ کرد که برداشت‌هایی التقاطی و شخصی از آیات قرآن بود.

در دورانی که بسیاری از افراد به نوشته‌های جوانی به نام گودرزی بی‌تفاوت بودند و او را جدی نمی‌گرفتند، شهید مطهری عمق خطر چنین افکار و فعالیت‌هایی را درک کرد و بدون توجه به سخنان اطرافیان که او را از پاسخگویی به یک جوان بی‌نام و نشان منع می‌کردند، با جدیت همهٔ آثار منتشر شده را تهیه کرد و با دقت آن‌ها را خواند و به دنبال پیشگیری از خطر پیش رو که اسلام ناب و مغز جوانان را هدف قرار داده بود، در مقدمهٔ کتاب «علل گرایش به مادیگری» در این باره نوشت: «ما نظر به اینکه در این نوشته‌ها آثار و علائم خاص و بی‌سواد را فراوان می‌بینیم، ترجیح می‌دهیم که فعلاً ماتریالیسمی را که به صورت تفسیر آیات قرآن در این یکی دو سال اخیر تبلیغ می‌شود، ماتریالیسم اغفال‌شده بنامیم و اگر پس از این تذکرات باز هم راه انحرافی خود را تعقیب کردند، ناچاریم آن ماتریالیسم را ماتریالیسم منافق اعلام نماییم.»

به ظاهر انتشار این مطلب دلیلی بود که گروهک فرقان به خود اجازه داد دستش را به خون شهید مطهری آلوده کند، اما در اصل دلیل ترور ایشان خطری بود که آن‌ها به واسطهٔ افکار و آثار استاد احساس کرده بودند. اندیشهٔ شهید مطهری بسیار روشنی‌بخش بود و به راحتی غبار انحراف و التقاط را می‌زدود و همچون سدی مانع هجوم شبهات بود. ایشان با آشنایی و تسلطی که بر علوم دینی، فلسفی و مکتب‌های مادی داشت، تمام تلاش خود برای تربیت جوانانی بانگیزه و مؤمن که به راحتی در برابر بدعت‌ها و تحریفات تسلیم نشوند را انجام داد؛ اما دشمنان که از آشکار شدن حقیقت ذاتشان و استقلال و گسترش فرهنگ اسلامی می‌ترسیدند، اجازه ندادند این خورشید روشنگر بیش از این بتابد و با حذف فیزیکی ایشان، گمان کردند راهی که آغاز شده را پایان داده‌اند؛ غافل از اینکه خون این شهید، مانعی برای غرق شدن مسلمانان در منجلاب انحراف‌ها و مغالطات بود و با هر اثری که از ایشان خوانده می‌شود و هر گامی که در پی آن تمدن‌سازی برداشته می‌شود، درجه‌ای به مقامات این شهید عالی رتبه افزوده می‌شود.